

باز هم سوگیری شناختی در حادثه اتوبوس مرگ؛

همیشه آن که می میرد، مقصر است!

ما هم چنان در گیر «سوگیری های شناختی» هستیم. و این سوگیری در دست بردار خطاهای ذهنی و توهمات می چرخد و به شکلی نظام مند، موجب گرایش ها، نگرش ها، تصمیم گیری ها، ارزیابی ها و استدلال های غلط می شوند. این سوگیری شناختی است که مسئول ما؛ یک عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی با اشاره به باز دید رئیس و اعضای کمیته بررسی کننده حادثه دانشگاه علوم و تحقیقات از محل حادثه می گوید «راننده اتوبوس» حامل دانشجویان فاقد کارت سلامت بوده است.



آذر فخری، روزنامه نگار

بن بست سوگیری شناختی

فریده اولاد قباد با اشاره به تشکیل کمیته ای در کمیسیون آموزش برای بررسی حادثه دانشگاه علوم و تحقیقات گفته است: «به همراه آقایان ده مرده و کوچک زاده با مجروحین حادثه واژگونی اتوبوس دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات در چند بیمارستان تهران ملاقات کردیم و با رئیس این دانشگاه مسئول ترابری دانشگاه و معاون پارلمانی دانشگاه آزاد نشتی دانشگاه و از محل حادثه نیز بازدید کردیم. طبق گزارش ارائه شده، قرارداد پیمانکاری با یک شرکت اتوبوسرانی از فروردین ۹۷ تا اسفند ماه سال جاری منعقد شده است. ما هم چنین از مسئول ترابری دانشگاه سوال کردیم آیا راننده کارت سلامت داشته و آیا اتوبوس معاینه فنی داشته که ایشان گفتند هیچ کدام از این قراردادها را نداشته است. علاوه بر این راننده تنها ۲۰ روز بوده که در دانشگاه مشغول به کار شده و پسر او هم راننده همان دانشگاه است.» اولاد قباد و همراهانش، از رئیس دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات خواستند گزارشی از این حادثه به نمایندگان ارائه کنند، گزارشی که همه می دانیم در نهایت در همان قفسه های بایگانی می شود که گزارش دختران شین آباد گزارش مدرسه اسوه حسنه، گزارش تجلوز به دانش آموزان، لایحه منع کودک همسری، گزارش تصادفات اردوهای

دانش آموزی و... بایگانی شده و به خاک و خاکستر تاریخ سپرده شده اند. همه ما با رفتارهایی از این دست آشنایم؛ واکنش هایی که نام آن ها را گذاشته ایم فرار به جلو. به عنوان نمونه به اظهارات این نماینده توجه کنید: فریده موسوی، رئیس فراکسیون جوانان مجلس شورای اسلامی که شامگاه سه شنبه همراه با مسعود پزشکیان نایب رئیس مجلس برای بازدید از مجروحان این حادثه به بیمارستان فته بود می گوید: «حادثه واژگونی اتوبوس دانشجویان برای مجلس و جامعه اتفاقی شوک آور و نشانه بی تدبیری کامل مسئولان ذی ربط در این حوزه بود.» یا قبیل از رخ دادن این اتفاق و اتفاقاتی از این دست که در این چند سال مدام رخ می دهند، نمی شود از این اظهار نظرها کرد؟ نمی شود قبل از وقوع حادثه، هر مسئول در هر رده از بدنه دولت که قرار دارد، به وظایف خود درست عمل کند، بداند که سیستم چه نواقعی دارد، آگاه باشد که هر سیستمی در درون خود و بر اساس قوانین طبیعی، گرایش به فرسودگی و ویرانی دارد، آگاه باشد که برای جلوگیری از فرسودگی، سیستم باید مدام نگهداری، رسیدگی و تعمیر و حتی جایگزین شود؟ هر چند در جایی که مسئولان باز نشتی هم چنان اصرار بر نشتی روی صندلی های چندین دهه ای شان دارند، بعدی به نظر

در هنگام وقوع چنین حوادثی، اغلب مسئولان سعی می کنند یقه خود را به بیرون بکشند و به دنبال بر تقال فروش بگردند و به نقیض می آیند

می رسد چنین درک و دریافتی در رابطه با سیستم و نحوه نگرانی آن وجود داشته باشد. البته برای انجام وظیفه در چنین ابعادی، مسئول محترم باید خودش را از حاشیه های مدیریتی و تلاش و جدال و جدل برای ماندن به هر قیمت، بیرون بکشد و مباد بر ما که چنین درس هایی از تاریخ گرفته باشیم زیرا که متأسفانه روال تاریخی-اساطیری نوشداروی پس از مرگ سهراب، هنوز بر زندگی و مرگ ملت ما حاکم است و انگار هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد. انگار تمام فرزندان این ملت، با چنین پیشانی نوشتی در این سرزمین به دنیا می آیند و تمام زندگی شان تحت تاثیر این «قمر در غربی» است که زیست انسان ایرانی را در خود فرو کشیده است. ما هم چنان در گیر «سوگیری

های شناختی» هستیم. و این سوگیری درست بر مدار خطاهای ذهنی و توهمات می چرخد و به شکلی نظام مند، موجب گرایش ها، نگرش ها، تصمیم گیری ها، ارزیابی ها و استدلال های غلط می شوند. این ناشی از سوگیری شناختی است که مسئول ما را وامی دارد در هر حادثه ای خلبان، راننده، معلم و... را مقصر بداند نه ضعف و فرسودگی سیستم خودش را. این یعنی سوگیری شناختی است که مسئول ما؛ یک عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی با اشاره به باز دید رئیس و اعضای کمیته بررسی کننده حادثه دانشگاه علوم و تحقیقات از محل حادثه می گوید «راننده اتوبوس» حامل دانشجویان فاقد کارت سلامت بوده است.

منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید و وجدان حرفه ای

در پیام تسلیت روحانی آمده است: «ضروی است مسئولین امر ضمن بررسی دقیق علت این سانحه تمام راهکارهای لازم برای عدم تکرار این گونه حوادث را تمهید و اجرا کنند و رسیدگی های پزشکی و درمانی لازم برای بهبود هر چه سریع تر آسیب دیدگان مورد توجه قرار گیرد.»

این پیام تسلیت البته نشان از توجه رئیس جمهور دارد، اما توجهی نه از سر دقت و تامل، توجهی که رسیدگی به یک فاجعه و به قول برخی سایت های خبری «جنایت» را، در حاله دیگران می کند، بی آن که خود شخصا در آن ورود نماید.

می پرسید آیا لازم است رئیس جمهور در همه چیز شخصا ورود کند؟

پاسخ این است که در حادثه های سیستمی که ناشی از بی توجهی مدیران ارشد آن سیستم است دقیقاً طبق منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید ورود شخص رئیس جمهور را ایجاد می کند. در دو بند از منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید چنین آمده است: - همه احاد مردم ایران را از همه اقوام و مذاهب الهی و بدون توجه به تفاوت های فردی، جنسیتی و گروهی، محترم بشمارم و از حقوق، حریم خصوصی حیثیت و شرافت آنان پاسداری کنم و در استفاده از تمام سرمایه های انسانی کشور بکوشم.

- همواره از دروغ بپرهیزم؛ به شعور و افکار عمومی احترام بگذارم از دست کاری در اطلاعات و یا ارائه اطلاعات به گونه ای که موجب فریب دیگران به ویژه مسئولان عالی نظام شونده شدت پرهیز کنم. دانش آموزان و دانشجویان

متأسفانه روال تاریخی-اساطیری نوشداروی پس از مرگ سهراب، هنوز بر زندگی و مرگ ملت ما حاکم است و انگار هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد. انگار تمام فرزندان این ملت، با چنین پیشانی نوشتی در این سرزمین به دنیا می آیند

سرمایه های اجتماعی این سامان هستند و رئیس جمهور خود را از نظر اخلاقی، موظف به حفظ حریم و حیثیت و شرافت سرمایه های اجتماعی این سامان کرده است. طبق روال جامعه ما و آن چه در بین مسئولین مرسوم است، در هنگام وقوع چنین حوادثی اغلب آنان سعی می کنند یقه خود را به هر نحوی که شده، از ماجرا بیرون بکشند و به دنبال بر تقال فروش بگردند و به دنبال بر تقال فروش گشتن معمولاً به تهیه گزارش های نادرست و ضد و نقیض می انجامد؛ خلبان مرده راننده قطار مرده، راننده اتوبوس مرده و پیمانکاری که با رابطه وارد کار شده و حالا متواری است، و عوامل غیر انسانی دیگر مقصر شناخته می شوند، الا خود مسئولی که این فاجعه در سیستم خود او اتفاق افتاده است و طبعاً چنین گزارش هایی که عملاً توهین به شعور مردم است، به دست رئیس جمهور یا دفتر و معاونانش می رسد و... همین جریان فریبی که رئیس جمهور خود را از آن پرهیز داده، در اطراش به این شکل باور پذیر در جریان است.

وقتی رئیس جمهور دولت تدبیر و امید منشور اخلاقی منتشر می کند، یعنی خودش و تمام افراد حاضر در سیستمش را ملزم به پاسخگویی کرده است: اول در برابر وجدان خویش و دوم در برابر جامعه ای که قرار است به آن «خدمت» کنند. چون قرار دولت و نظام جمهوری اسلامی از اول بر خدمت به مردم مظلوم و ستم کشیده بوده و نه بی تفاوتی و نه مواجه شدن با نمایندگانی از آن دست که این روزها فیلم و ویدئوی رفتار و سکنات شان مدام افشا و منتشر می شود و نه روبرو شدن مردم با خلاء های سیستمی و مسئولیتی که در یک دانشگاه گران قیمت وجود دارد، نه واقعاً قرار مردم ما با مسئولان شان، این نبود. برای همین است که آن مادر جگر سوخته، حال دیدن روی هیچ مسئولی و تحمل شنیدن صدای هیچ کدام از آنان را ندارد. در این جا، در رابطه دولت و ملت، یک نقض عهد درناک اتفاق افتاده است.

بهر است در اکثر اوقات قبل از اینکه کار به تنبیه و مجازات فرزند برسد، از تشویق و تأیید های اجتماعی برای تربیت کودک خویش استفاده کنند. البته باید در نظر داشت که تشویق و تقویت و همچنین تأیید های اجتماعی همچون تشویق و تشویق های والدین، در زمان مناسب و با میزان مطلوب به کودک ارائه نشوند، ممکن است نتایج معکوسی به همراه داشته باشد و کودک رفتار ناپسند را به عنوان رفتار مطلوب تقویت نماید. سلامت، سازندگی و پویایی جامعه مبتنی بر نگرش ها، ادراکات و توانمندی هایی است که کودکان امروز به عنوان آینده سازان فردا در خانه و خانواده کسب می کنند. بنابراین با توجه به آنکه بیشترین فرصت و زمان لازم برای رشد کودک در اختیار خانواده می باشد، امید است خانواده ها تمام تلاش خود را در جهت پرورش و تربیت صحیح فرزندان خویش که در اصل سرمایه های فردای ایران هستند، به کار برند و از هیچ تلاش و کوششی در این زمینه فرو گذاری نکنند.

از گوشه و کنار

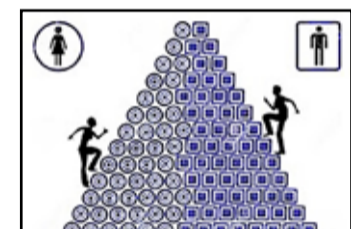
چند میلیون نفر در ایران دچار اختلال روانی هستند؟



معاون دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: بر پایه آخرین پژوهش های میزان شیوع اختلالات روان پزشکی در کشور ۲۳.۶ درصد است که حدود ۱۲.۵ میلیون نفر از جمعیت گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال ایران از یکی اختلالات روان پزشکی رنج می برند.

احمد حاجبی، شایع ترین اختلالات روان پزشکی در کشور را افسردگی با شیوع ۱۲.۷ درصد و اضطراب ۱۵.۶ درصد ذکر کرد و گفت: برای جلوگیری از تشدید این اختلالات هم برای افسراد در معرض آسیب و دیگر شهروندان برنامه های آموزشی برای والدین کودکان و نوجوانان با موضوع مهارت های زندگی و فرزند پروری برنامه ریزی شده است. معاون سلامت روانی وزارت بهداشت با بیان این که از نظر علمی، در شیوع اختلالات یا بیماری های روان پزشکی عوامل بیولوژیکی محیطی و فردی نقش دارد، تأکید کرد: بسیاری از افراد به دلیل نداشتن یکسری مهارت های زندگی و توانمندی ها دچار بیماری می شوند. وی ادامه داد: هم چنین برخی افراد هم به خاطر شرایط زندگی، مسائل خانوادگی شغلی، اقتصادی و اجتماعی از آن رنج می برند که بر جسم و روان آن ها تأثیر می گذارد و دچار اختلالات روان پزشکی می شوند. وی شناسایی و تشخیص بیماران روانی، ارائه خدمات به آن ها در جهت کاهش آسیب های اجتماعی و پیشگیری از خود کشی را از جمله مهم ترین اولویت های دفتر سلامت روانی ذکر کرد.

وضعیت برابری جنسیتی در ایران چگونه است؟



مجمع جهانی اقتصاد به تازگی در گزارشی به بررسی وضعیت برابری جنسیتی و ابعاد مختلف آن در کشورهای مختلف پرداخته است. بر اساس این گزارش رتبه ایران از ۱۴۹ کشور مورد بررسی، ۱۴۲ اعلام شده است. این شاخص در ۴ بخش اقتصاد، آموزش سیاست و بهداشت کشورها را مورد بررسی قرار داده و مقایسه روند تحولات رتبه ایران در شفاف جنسیتی جهانی و شاخص های مربوط به آن در سال ۲۰۰۶ که ۱۱۵ کشور مورد سنجش قرار گرفته بودند و سال ۲۰۱۸ که کشور های نمونه به ۱۴۹ کشور رسید، قیاس مناسبی از روند برابری جنسیت در ایران فراهم می آورد. بررسی مشارکت و فرصت های اقتصادی نشان می دهد که رتبه ایران که در سال ۲۰۰۶ ۱۴۳ صد میزده بوده، در سال ۲۰۱۸ به رتبه ۱۴۳ رسیده است. هم چنین در زمینه دستاوردهای آموزشی رتبه ایران در این فاصله از ۸۰ به ۱۰۳ افت کرده و در بهداشت نیز رتبه آن از ۵۲ به ۱۲۷ رسیده است.

نکته جالب دیگر قدرت سیاسی است که ایران از این نظر از رتبه ۱۰۹ به رتبه ۱۴۱ تنزل یافته است. به طور کلی رتبه ایران که در سال ۲۰۰۶ از ۱۱۵ کشور ۱۰۸ بوده، با حفظ اختلاف نسبت به آنها، در سال ۲۰۱۸ نیز ۱۴۲ از ۱۴۹ کشور بوده است، هر چند امتیاز ایران در بیشتر زیر شاخص ها بهبود داشته است. به رغم آن چه در بالا اشاره شد، وضعیت ایران در تمام شاخص ها یکسان نیست. در واقع، نابرابری جنسیتی در زمینه قدرت سیاسی و مشارکت اقتصادی و اختلاف آن با میانگین جهانی بسیار زیاد است در حالی که در زمینه دستاوردهای آموزشی و بهداشت نمره ایران از متوسط جهانی بالاتر است. این موضوع لزوم بهبود مشارکت اقتصادی سیاسی زنان را در عرصه عمومی نشان می دهد.

تنبیه یا تشویق؛ کدام یک مقدم است؟



فاطمه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

اندازه ای استفاده نمایند تا از حداکثر تاثیر گذاری آنها بهره مند شوند. روانشناسان بر اساس تحقیقات و پژوهش های روانشناسی معتقدند «تنبیه و تشویق» کودکان باید در زمان مناسب صورت پذیرد. از اینرو هنگامیکه در تعلیم و تربیت و شیوه های فرزند پروری از تشویق و انگیزش و همچنین تنبیه صحبت می شود، منظور این است که کودک را بر اساس رفتاری که از خود بروز می دهد با نتایج عمل و پیامدهای رفتارش روبرو سازند. به این ترتیب کودک می تواند رفتار مطلوب و نامطلوب را از طریق عواقب پاسخ های خوشایند و ناخوشایندی که در یافت می کند بشناسد و درک نماید. در قلمروی روانشناسی نیاز به «تشویق» به عنوان یکی از تمایلات فطری انسان ها به معنای به شوق آوردن، ستودن، فعالیت و توانمندی فرد و نیز دلگرم ساختن می باشد.

بر این اساس «تنبیه» به معنای آگاه ساختن فرد به نتایج نامطلوب رفتارش می باشد. تشویق و توجه مثبت می تواند سبب شکل گیری اعتماد به نفس و احساس امنیت در وجود کودک شود. از طرفی نیز بدیهی است که تنبیه شدن کودک از طریق گفتگوی والدین و همچنین متوجه ساختن پیامدهای رفتار نامطلوب، می تواند روش خوبی برای تعدیل رفتار در نظر گرفته شود. بر این اساس نکته حائز اهمیت آن است که در نظر گرفتن تنبیه های فیزیکی یا مجازات های سنگین برای از بین بردن یک رفتار زشت شاید در کوتاه مدت به نتایج مطلوبی منجر شود، اما در طولانی مدت تأثیرات مخربی به همراه می آورد. روانشناسان اظهار می دارند والدین در صورت استفاده از روش های تنبیهی برای تربیت فرزند بهتر است تنبیه هایی متناسب و مرتبط با موضوع در نظر بگیرند؛ روش های تنبیه کردن کودک به صورت حذف موقت و کوتاه مدت و وسایل

مورد علاقه وی باشد، به گونه ای که والدین به مدت محدود، کودک را از استفاده محرک های خوشایندی محروم سازند. به عنوان مثال والدین به هنگام مواجهه با فرزند خویش در هنگامیکه انجام تکالیف خود را تمهیداً به تعویق انداخته است می توانند وی را بطور موقت از بازی با وسایل الکترونیکی همچون تبلت و کامپیوتر و یا تماشای برنامه تلویزیونی مورد علاقه اش محروم سازند. لیکن نکته مهم اینجاست که والدین باید در شیوه های والد-فرزند پروری خویش، ابتدا باید پیوند و دلبستگی ایمن عاطفی با فرزند خود برقرار سازند، به گونه ای که کودک در حین دریافت تنبیه از سوی پدر یا مادر، کاملاً این نکته را با جان خویش درک کند که والدین، وی را بی قید و شرط دوست دارند؛ و به این ترتیب در نظر گرفتن تنبیه و همچنین محروم شدن وی از وسایل لذت بخش زندگی اش برخلاف میل باطنی والدین می باشد و صرفاً جهت اصلاح و تعدیل رفتاری است. به عنوان نکته آخر باید تأکید کرد والدین